

صاحب نظران غربی

از پیامبر اسلام می گویند

عبدالستار حسین‌یر

ایستادگی کرده و پیروز گردیده است، در ما ایجاد می گردد».^(۳)

انسانی دارای مرام عالی

ژنرال سرپرسی سایکس (۱۸۶۷-۱۹۴۹م.) نویسنده مشهور انگلیسی در کتاب «تاریخ ایران» می نویسد: «به عقیده شخصی من، حضرت محمد [صلی الله علیه و سلم] در میان عالم بشریت بزرگ ترین انسانی است که با یک مرام عالی، تمام هم خود را مصروف این داشت که شرک و بت پرستی را از اندیشه ها منهدم ساخته و به جای آن افکار بلند اسلام را برقرار سازد. خدمت وافر و نمایانی که از این راه به نوع بشر نموده، خدمتی است که آن را ستایش نموده و سر تعظیم فرود می آورم».^(۴)

افتخار آسیا

جان دیون پورت^(۵) (۱۸۷۷-۱۷۸۹م.)، اسلام شناس معروف انگلیسی، در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» چاپ لندن، سال ۱۸۶۹، چنین می نویسد:

«نویسندگانی که کورکورانه تحت تأثیر تعصب قرار گرفته و گمراه شده اند و در نتیجه به حسن شهرت زنده کننده آیین یکتاپرستی اهانت روا داشته اند، نه فقط ثابت کرده اند که روح خیرخواهی نجات دهنده (مسیح) در آنها تأثیر ننموده است، بلکه در قضاوت نیز راه خطا پیموده اند. زیرا با مختصر تأمل و تفکری می توانستند این نکته را درک کنند و دریابند که پیغمبر و تعلیمات او را نباید از نظر یک نفر مسیحی یا از لحاظ فکر اروپایی نقد کنند، بلکه این بحث باید از نظر شرقی مورد قضاوت قرار گیرد و به عبارت دیگر شخصیت محمد را به عنوان یک نفر مصلح دینی و قانونگذاری که در قرن هفتم مسیحی در آسیا قیام کرده است، باید مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. در این صورت بدون شک اگر او را یکی از نوادر جهان و منزه ترین نوابغی که گیتی تاکنون توانسته است پرورش دهد، به شمار نیاوریم، ستم بزرگی را مرتکب شده ایم. همانا باید او را بزرگ ترین و یگانه شخصیتی بدانیم که قاره آسیا می تواند به وجود چنان فرزندی برخورد ببالد.

هرگاه وضع اعراب را قبل از ظهور محمد در نظر بگیریم و با اوضاع بعد از قیام او مقایسه کنیم، و هرگاه اندک تفکری در شعله عشق و علاقه ای که در قلوب پیروان او برافروخته شده و تا به امروز به همان حال باقی است توجه کنیم، به خوبی احساس می کنیم که اگر از تمجید و تکریم چنان مرد بزرگ و فوق العاده ای خودداری کنیم بی انصافی

بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم منتهی بزرگ از جانب خداوند بر انسانها بود. بر اثر تلاش و خدمت ایشان تاریکی های جهل و ظلمت از آسمان دنیا زدوده شد. نسیم صلح و امنیت وزیدن گرفت. درختان خوشبختی و سعادت شکوفه داد و امواج سهمگین کفر و شرک فرو نشست.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم اسوه ای ایده آل برای زندگی ای سراسر خوشبختی است که با رهنمودهای ایشان انسان ها از دره ها و پرتگاه های هلاکت و بدبختی به شاهراه سعادت جاوید رهنمون می شوند و از آسیب امواج خروشان بی دینی در امان می مانند.

همه خواهان سعادت اند، ولی همه در پی رسیدن به آن نیستند. سال ها و قرن ها بود که تصور غربیان از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم، بتی به نام ماهوم بود که مسلمانان آن را می پرستند و در مقابلش کرنش و سجده می کنند. غافل از اینکه نمی توان پاره آفتاب را به گل نهفت. اینک شناخت مردم مغرب زمین از اسلام و پیامبر فزونی یافته است و هر ساله دهها و شاید صدها کتاب در اروپا و آمریکا در این زمینه منتشر می شود که تنها نام بردن از آنها نیازمند کتاب مستقلی است. اگر چه برای بیان عظمت و جایگاه والای نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و سلم نیازی به تأیید صاحب نظران و اندیشمندان غربی نیست، چرا که خدای سبحان ایشان را با بهترین صفات ستوده و احمد و محمود نام نهاده است و همواره شیفتگان و سوختگان آتش عشقش در وصف حضرتش کتابها نوشته و شعرها سروده اند؛ به قول شیخ عبدالرحمان جامی: «افصیح عالم و من لال او/ کی توانم کرد وصف حال او/ انبیاء در وصف او حیران شدند/ سرشناسان نیز سرگردان شدند».

در اینجا صرفاً از باب «الفضل ما شهدت به الاعداء» یا «خوشتر آن باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران» به نقل بعضی از این اعترافات و گفتارها می پردازیم.

نابغه بزرگ تاریخ

کارن آرمسترانگ^(۶) (تولد ۱۹۴۴م.) در کتاب «زندگی نامه پیامبر اسلام [صلی الله علیه و سلم]»^(۷) می نویسد: «اگر ما محمد [صلی الله علیه و سلم] را از همان دیدگاهی که چهره های بزرگ تاریخی را می نگریم، ببینیم، به راحتی به این باور خواهیم رسید که او بزرگ ترین نابغه طول تاریخ بشر بوده است. این باور نه به خاطر آوردن قرآن، یا ایجاد دین بزرگ، یا فتوحات نظامی، بلکه به خاطر شرایط خاصی که او در آن رشد یافته،

کتاب «زندگانی محمد» می نویسد: «دین محمد [صلی الله علیه وسلم] آسان بود و سخنانش واضح، و اعمالی که انجام داده عقل را مبهوت می کند. در تاریخ جهان مصلحی نبوده که مانند محمد در مدتی کوتاه دلها را بیدار و اخلاق عمومی را تجدید (تهدیب) نموده و بنای فضیلت را استوار کرده باشد.»^(۱۶)

بزرگ مردی نامی

دکتر گوستا ولوبون^(۱۷) (۱۹۳۱-۱۸۴۱م)، نویسنده مشهور فرانسوی، درباره شخصیت پیامبر اسلام چنین می نویسد: «اگر بخواهیم عظمت و اهمیت رجال بزرگ عالم را از روی آثار و کارهای آنها بسنجیم، هر آینه باید گفت که پیغمبر اسلام [صلی الله علیه وسلم] در میان رجال تاریخ، یک مرد بسیار بزرگ نامی گذشته است. مؤرخین قدیم به واسطه تعصبات مذهبی، اهمیتی به کارهای او نداده اند، ولی در عصر حاضر مؤرخین نصارا [مسیحی] حاضر شده اند که در این باب از روی انصاف سخن بگویند.»^(۱۸)

انقلاب محمد صلی الله علیه وسلم و انقلاب فرانسه

کونستان ویرژیل گیورگیو^(۱۹) (۱۹۹۲-۱۹۱۶م)، نویسنده رومانیایی کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت»، می نویسد: «انقلابی که محمد می خواست در آن موقع در عربستان به وجود بیاورد، با توجه به رسوم و شعایر عرب و نفوذ فوق العاده رؤسای قبایل، و اینکه هر قبیله و طایفه یک واحد اجتماعی بزرگ را تشکیل می داد، از انقلاب فرانسه بزرگ تر است.

انقلاب فرانسه نتوانست بین فرانسوی ها مساوات به وجود بیاورد، ولی انقلاب محمد [صلی الله علیه وسلم] این مسلمین مساوات به وجود آورد و هر نوع مزیت های خانوادگی و طبقاتی و مادی را از بین برد.»^(۲۰)

همای سعادت

جرج برنارد شاو^(۲۱) (۱۹۰۵-۱۸۵۶م)، درام نویس ایرلندی که از مشهورترین چهره های ادبیات معاصر و همای شکسپیر در نمایشنامه نویسی، و استاد بذله گوئی و طنز در زبان انگلیسی است، می نویسد: «به عقیده من اگر به مردی مانند محمد [صلی الله علیه وسلم] زمام اختیار حکومت تمام دنیا را بسپارند، جهان و جهانیان تحت لوای حکومت اسلام رستگار خواهند شد و مکتب اسلام دنیا را به خیر و سعادت و حل مشکلات زندگی هدایت خواهد کرد، تا بدان جا که بر تمام عالم همای سعادت پرتو خواهد افکند».

مصلح اجتماعی

جان برناس، دین شناس مشهور، می نویسد: «در سراسر عالم اسلام، مردم اصول اساسی قوانین اخلاقی خود را از سرچشمه قرآن اخذ می کنند. محمد [صلی الله علیه وسلم] در کردار و رفتار پیروان خود اندیشه بسیار نموده است و باید گفت که برای آنها یک روش قانونی برقرار نمود که بسیار واضح و صریح و به سوی هدف و مقصود واحدی سیر می کند و همانا آن بالا بردن سطح اخلاق آنها است. به طوری که

است.»^(۲۲)

قهرمان

توماس کارلایل^(۲۳) (۱۸۸۱-۱۷۹۵م)، رجال شناس و متفکر انگلیسی، در کتاب «قهرمان و قهرمانیت»^(۲۴) درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم چنین اظهار نظر کرده است:

«شما می گوید او را پیغمبر دانستند؟ بلی! او کسی است که با آنها روبه رو بود، تک و تنها، روشن و آشکار، بدون اینکه در لباس اسرار و رموز مقدسی در آمده باشد. وضع او محسوس بود و مشهود، لباسش را خودش می شست. کفش هایش را رفو می کرد. می جنگید. مشورت می کرد و در میان آنها حکومت می کرد و فرمانروایی داشت. بایستی او را دیده باشند که چه نوع شخصی بود. شما هر چه می خواهید او را بنامید، هیچ امپراطوری با تاج و زینت و زیور پادشاهی مانند این مرد که شخصاً جامه اش را می شست مطاع نبود.

این مردی که مدت ۲۳ سال با آن همه رنج و مشقت زندگی کرد، چنان آزمایش های عملی، سخت و دشواری از خود نشان داد که من او را «قهرمان» می دانم و لازم است که چنین عنوانی داشته باشد.»^(۲۵)

فرشته نجات

لئون تولستوی^(۲۶) (۱۹۱۰-۱۸۲۸م)، نویسنده مشهور روسی، از کسانی است که کتاب جالبی در رد اشخاصی که سلطنت طلبی و شهوت رانی را به پیامبر اسلام نسبت داده اند، به نام محمد [صلی الله علیه وسلم] تألیف کرده است. وی ضمناً سخنان حکیمانه آن حضرت را در رساله مخصوصی گردآوری و به زبان روسی ترجمه کرده و با عنوان «سخنان محمد» منتشر کرده است. وی نوشته است:

«جای هیچگونه شبهه و تردیدی نیست که پیغمبر اسلام [صلی الله علیه وسلم] از مصلحان بزرگ دنیا است. آن هم مصلحی که به جامعه بشریت خدمات شایانی کرده است. همین فخر و مباهات برای او پس است که یک ملت خونریز و وحشی را از چنگال اهریمنان عادات زشت و شنیع رهانید و راه ترقی را به روی آنان باز کرد، حال آنکه هر مرد عادی نمی تواند به چنین کارشگرایی اقدام کند و نتیجه بگیرد. بنابراین شخص پیغمبر اسلام [صلی الله علیه وسلم] سزاوار همه گونه احترام و اکرام می باشد. شریعت اسلام به علت توافق آن با عقل و حکمت، در آینده عالمگیر خواهد شد.»^(۲۷)

فرمانروای دادگستر

فرانسوا ماری آروئه ولتر^(۲۸) (۱۷۷۸-۱۶۹۴م)، اندیشمند، فیلسوف و نویسنده بزرگ فرانسوی، در کتاب «کلیات ولتر»^(۲۹) می نویسد: «محمد [صلی الله علیه وسلم] بی گمان مردی بسیار بزرگ بود و مردان بزرگی نیز در دامن فضل و کمال خود پرورش داد. قانون گذاری خردمند، جهان گشایی توانا، فرمانروایی دادگستر و پیامبری پرهیزگار بود و بزرگترین انقلاب روی زمین را پدید آورد.»^(۳۰)

مصلحی بزرگ در تاریخ جهان

سیر ویلیام موئیر^(۳۱) (۱۹۰۵-۱۸۱۹م)، مؤرخ صاحب نام انگلیسی، در

از نظر کسانی که فاقد آنند، نمی توان ناچیز انگاشت. او پیش از آن که شروع به نطق و سخنرانی کند، چه شنونده یک نفر بود و چه جمعی بودند، همه مجذوب لطف و محبت او می شدند و توجه همه به طرف او جلب می شد. صورت آراسته، سیمای موقر و باشکوه، چشمان نافذ، تبسم ملیح و جاذب، محاسن پرمو، قیافه ای که نماینده تمام احساسات روحی وی بود و بالاخره نکات و لطایفی را که در محاوره به کار می برد، همه را وادار می کرد که در برابر او صدای هلهله تکریم بلند کنند.

در امور اجتماعی و کارهای مربوط به زندگی، دقیقاً کلیه آداب و رسوم کشورش را رعایت می کرد. تواضع و احترام او در برابر اغنیا و ثروتمندان و در مقابل فقرا و بینوایان، همه و همه یکسان بود. وضوح و صراحتی که در گفتار نشان می داد، جای اختفایی برای مقاصد نهایی او نمی گذاشت. آداب معاشرتی را که در برابر دوستان از نظر رفاقت و سابقه نشان می داد، همان بود که با عموم افراد، از نظر بشردوستی رعایت می کرد.

حافظه اش قوی و پر دامنه و هوش و ادراکش سهل و اجتماعی بود. نیروی تصورش عالی، قضاوتش صریح و روشن و سریع و قاطع بود. هم دارای قدرت فکر و اندیشه بود و هم دارای قدرت عمل و اقدام.^(۲۵) اگر چه نقشه او به تدریج با موفقیت توسعه پیدا می کرد با این حال اولین فکر رسالت الهی وی دارای نشان نبوغ اصیل و عالی بود.^(۲۶)

اسلام در درون دنیای متمدن

همیلتن گیب^(۲۷) (۱۸۹۵-۱۹۷۱ م.)، استاد سابق دانشگاه لندن و اکسفورد (oxford)، می نویسد:

«اما شگفت انگیزتر از سرعت کشورگشایی ها، خاصیت نظم و ترتیب آنها بود. در طی سالها جنگ می بایست خرابی هایی به بار آمده باشد؛ اما روی هم رفته تازیان [مسلمانان] که آثاری از ویرانی برجای نگذاشته بودند، راه را برای یکپارچه شدن اقوام و فرهنگ ها هموار می کردند.

ساخت قانون و حکومتی که محمد [صلی الله علیه وسلم] برای اخلاف خود، یعنی خلفا به میراث نهاده بود، ارزش خود را در ضبط و نظارت بر کارهای این سپاه بدوی به اثبات رسانده بود.

اسلام در درون دنیای متمدن خارجی به عنوان خرافات خام طایفه های غارتگر راه نیافت، بلکه به عنوان نیرویی اخلاقی معرفی شد که احترام همگان را برمی انگیزخت و به منزله آیینی منطقی که مسیحیت روم شرقی و دین زرتشت را در ایران، یعنی هر یک از این دو کیش را در سرزمین و خاستگاه خویش، می توانست به مبارزه بطلبد.^(۲۸)

بزرگترین بزرگان تاریخ انسانی

پروفسور ویل دورانت، مؤرخ مشهور آمریکایی، می نویسد:

«اگر میزان تأثیر این مرد بزرگ را در مردم بسنجیم، باید بگوییم که حضرت محمد [صلی الله علیه وسلم] از بزرگترین بزرگان تاریخ انسانی است. وی در صدد بود سطح معلومات و اخلاق قومی را که از

مقام اعراب را از دنیای جدال و شقاق عشایری قدیم ترفیع داده در یک سطح مطلوب از اخوت و برادری قرار داد. بنابراین عمل هر مسلمان از زن و مرد، از هنگام تولد تا زمان موت، متوجه آن هدف می باشد. احکامی که در حرمت شراب و قمار وارد شده است، همچنین قواعدی که در باب روابط و مناسبات جنسی وضع کرد، دستور زندگی اجتماعی افراد است. او مقام زن را تا مرتبه ای عالی بالا برد. این شارع بزرگ از همان بدو تشریع، در زندگانی پیروان خود تغییر فراوانی ایجاد کرد.^(۲۹)

صدایی از قلب طبیعت

توماس لایل (۱۸۸۱-۱۷۹۵ م.)، نویسنده و مؤرخ انگلیسی، در کتاب «تحقیقات» خود می نویسد:

«این فرزند صحرا با قلبی عمیق و چشمانی سیاه و نافذ و با روح اجتماعی وسیع و پیردامنه ای، همه نوع افکاری را با خود همراه داشت، غیر از جاه طلبی. چه روحی آرام و بزرگ. او از کسانی بود که جز با شور عشق و حرارت سروکاری ندارند و از کسانی بود که طبیعت آنها را مخلص و صمیمی قرار داده است، در حالی که دیگران در طریق فرمول های (شعارهای) گمراه کننده و بدعتها سیر می کردند و با همان حال راضی و خرسند بودند، این مرد نمی توانست خودش را در آن شعارها بپیچد و محصور کند. رمز بزرگ هستی با همه دهشت و جبروت و با همه جلال و شکوه، در نظر او روشن و آشکار می درخشید. هیچگونه بدعت و ضلالتی آن حقیقت غیرقابل وصف را نمی توانست از او مکتوم و مسطور بدارد و ندای همان حقیقت بود که می گفت: من وجود دارم. آنچه در این زمینه صداقت و واقعیت نامیدیم در حقیقت امری است ملکوتی و جنبه ای است الهی.

کلام چنان مردی، صدایی است مستقیم از قلب طبیعت، مردم باید به آن گوش بدهند و اگر به چنان کلامی گوش ندهند، به هیچ صدایی نباید اعتنا کنند، زیرا همه چیز در برابر آنان مانند باد است.

از دوران قدیم، چه در ضمن سیاحت ها و چه در ضمن زیارت ها، هزار فکر در ذهن این مرد وجود داشت. اوبه خود می گفت: من چه هستم؟ این شیء بیکران که من در آن زندگی می کنم و مردم آن را جهان می نامند چیست؟ زندگی چیست؟ من باید به چه معتقد باشم؟ من باید چه بکنم؟ صخره های مهیب کوه حرا، کوی سینا، ریگستان های عزلت و انزوایابی به او نمی دادند. آسمان لا جوردی با همه عظمت و شکوه، با همه ستارگان درخشانی که روی سرش جلوه گری داشتند، جوابی نمی دادند. از هیچ طرفی جوابی نمی رسید فقط روح این مرد و آنچه از الهامات خدا در آن جای گرفته بود به او جواب می داد و بس!^(۳۰)

جاذبه و شکوه محمد صلی الله علیه وسلم

ادوارد گیون^(۳۱) (۱۷۹۴-۱۷۳۱ م.)، مؤرخ صاحب نام انگلیسی، در کتاب «تاریخ انحطاط و سقوط امپراطوری روم»، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵، چاپ لندن، به سال ۱۸۳۸-۳۹ م.، راجع به خصوصیات پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم چنین می نویسد: «شخص محمد [صلی الله علیه وسلم] از لحاظ جمال و زیبایی صوری، امتیازاتی داشت. این امتیازات را، جز

ندای اسلام ۵۵

این آرا و دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان غربی درباره شخصیت والای خورشید نبوت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بود. این گفتارها را از آن جهت به دل کاغذ سپردیم، تا هم عرض ارادتی به ساحت گرامی نبی رحمت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، آن محبوب دلهای مؤمنان و حق باوران، داشته باشیم و هم چراغی فراوری شیفتگان غرب بیغروزی، که یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم.



پی نوشتها:

۱- karen Armstrong .

۲- Muhammad. A Biography of Prophet .

۳- آرمسترانگ، کارن، زندگی نامه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم؛ ترجمه کیناوش حشمتی، تهران: حکمت، ۱۳۸۳، ص ۶۳.

۴- سایکس، سرپرسی؛ تاریخ ایران؛ ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ ششم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۲۶.

۵- John Daven Port .

۶- دیون پورت، جان؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلام رضا سعیدی، قم و تهران، دار التبلیغ اسلامی، [بی تا]، ص: ۱۵-۱۳.

۷- Thomas Carlyle .

۸- Hero and Herowrship .

۹- سعیدی، سید غلام رضا، داستان هایی از زندگی پیامبر ما، چاپ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۳.

۱۰- Tolstoi .

۱۱- همان، ص ۲۱.

۱۲- Francois-Marie Arout Voltaire .

۱۳- Oeuvres Completes vol. ۲۴ p. ۵۵۵.

۱۴- ثواقب، جهان بخش؛ نگرشی بر رویارویی غرب با اسلام؛ قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۰.

۱۵- Sir. William Muir .

۱۶- ابراهیم حسن، حسن؛ تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، [بی تا] جاویدان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲۱.

۱۷- Goustawe Lebon .

۱۸- ثواقب، جهان بخش، نگرشی بر رویارویی غرب با اسلام، ص ۳۵۶.

۱۹- Gheorghiu Constantin Yrigil .

۲۰- گیورگیو، کونستان - ویرژیل؛ محمد پیغمبری که از نو باید شناخت؛ ترجمه ذبیح الله منصوری؛ چاپ دوازدهم، [بی جا] مجله خواندنی ها، [بی تا]، ص: ۱۶۳-۱۶۰.

۲۱- Shaw Georg Bernard .

۲۲- بایرناس، جان، تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه: علی اصغر حکمت؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، [بی تا]، ص ۴۹۶.

۲۳- دیون پورت، جان؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۷۷-۷۵.

۲۴- Edward Gibon .

۲۵- دیون پورت، جان؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۱۷-۱۶.

۲۶- سعیدی، سید غلام رضا، داستان هایی از زندگی پیامبر ما، ص ۱۵۶-۱۵۵.

۲۷- Gibb. Hamilton. Alexander Rosskeen Sir .

۲۸- هملتین گیب، اسلام، بررسی تاریخی؛ ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۲۴.

۲۹- نیک بین، نصر الله؛ اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب؛ سیمان دورود؛ [بی تا]، ص ۳۸.

۳۰- کوپل، ژیل؛ پیامبر و فرعون؛ ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶، صص ۸-۹.

۳۱- شیمیل، انه ماری، محمد رسول خدا، ص ۹۷.

۳۲- عقاد، عباس محمود؛ اسلام در قرن بیستم، مترجم: حمید رضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۰.

فرط گرمای هوا و خشکی صحرا به تاریکی توحش افتاده بودند، اوج دهد. در این زمینه توفیقی یافت که از توفیقات تمام مصلحان جهان بیشتر بود. کمتر کسی را جز او می توان یافت که همه آرزوهای خود را در راه دین انجام داده باشد، زیرا به دین اعتقاد داشت.

از قبایل بت پرست و پراکنده در صحرا، امتی واحد به وجود آورد. برتر و بالاتر از دین یهود و دین مسیح و دین قدیم عربستان. آیینی ساده و دینی روشن و نیرومند با معنویاتی که اساس آن شجاعت و مناعت قومی بود، پدید آورد که در طی یک نسل در یکصد معرکه نظامی پیروز شد و در مدت یک قرن امپراطوری عظیم و پهناوری به وجود آورد و در روزگار مانیروی مهمی است که بر یک نیمه جهان نفوذ دارد.^(۳۲)

الگوی انقلاب آفرینان

ژیل کوپل در کتاب «پیامبر و فرعون» می نویسد:

«تاریخ، سنت و شرع اسلامی از همان آغاز، دو اصل مشخص و در واقع متناقض، یعنی تمایل به تلاش و سکوت را در خود پذیرا شدند. در زندگانی محمد پیامبر اسلام [صلی الله علیه وسلم] دو مرحله وجود دارد. در مرحله ای که معروف تر است و بیشتر از آن یاد شده است، محمد [صلی الله علیه وسلم] به عنوان حاکم مدینه، قاضی، فرمانده نظامی و سیاستمدار ظاهر می شود. اما مرحله اولیه ای نیز پیش از هجرت محمد [صلی الله علیه وسلم] از مکه به مدینه وجود داشت. پیامبر قبل از حاکم شدن، رهبری جنبش در مکه را عهده دار بود. از آنجا که این مخالفت در وهله اول ذاتاً جنبه مذهبی و اخلاقی داشت، خواه ناخواه یک اقدام سیاسی را به خود گرفت. در این مرحله پیامبر [صلی الله علیه وسلم] به عنوان منتقد و مخالف رژیم مکه، آغاز به کار کرد و موطن خود را به قصد مدینه ترک کرد و در آنجا با تشکیل یک دولت در تبعید، به مفهوم امروزی، جنگ علیه ایت پرستان مکه را تا پیروزی و فتح نهایی به راه انداخت.

ظهور آیین جدید خود نوعی پیکارجویی انقلابی با رهبری و نظام کهن به شمار می رفت و هر دوی اینها، یکی توسط پیامبر و صحابه اش و دیگری توسط اسلام، سرنگون شده و ریشه کن شد. در این دوره نیز مانند دوره بعد، پیامبر و زندگی اش نمونه و سرمشق بود.^(۳۳)

تقلید از محمد صلی الله علیه وسلم

پروفسور آنه ماری شیمیل، اسلام شناس معاصر آلمانی، می نویسد: «همین آرمان تقلید از محمد است که مسلمانان را از مراکش گرفته تا اندونزی به این اندازه یکسانی کردار بخشیده است. هر کس در هر جا باشد، می داند که هنگام در آمدن به منزلی چگونه رفتار کند، کدام عبارت تعارف آمیز را کار برد، در همنشینی از چه بپرهیزد. چگونه غذا بخورد. چگونه سفر کند. کودکان مسلمان قرن هاست که به این شیوه ها پرورش یافته اند و تنها در این اواخر بود که این دنیای سنتی بر اثر هجوم فرهنگ تکنولوژیکی امروز از هم فروپاشید.^(۳۴)

و دندانک بلاک مکدونالد می گوید: «شخصیت حضرت محمد [صلی الله علیه وسلم] پس از گذشت چهارده قرن هنوز منبع سرشاری برای تقویت مسلمانان به شمار می رود.^(۳۵)